

گونه‌شناسی اصحاب سیاسی - معرفتی امام هادی علیه السلام

مینا عبدالرحیم نسب هریس^۱

چکیده

امام هادی علیه السلام (۲۵۴-۲۱۲ق) در روزگاری می‌زیست که علاوه بر تقابل با حاکمان و کارگزاران غاصب عباسی، با جریان‌های فکری و اندیشه‌ای نیز مواجهه داشت که اعتقادات مردم را مورد هجمه قرار می‌دادند؛ لذا آن حضرت در برخورد با این گروه‌ها، با تربیت اصحاب آگاه و دانشور در حیطه سیاسی و معرفتی، به مبارزه با آنان پرداخت. پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی، فعالیت‌های این اصحاب را گونه‌شناسی کرده و به معرفی آنان پرداخته است تا مخاطب با نگرشی کلی بتواند عصر امام هادی علیه السلام را تحلیل کند. براین اساس، با شیوه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع رجالی، فهرست نگاری‌ها و آثار تاریخی، داده‌های مورد نیاز برای شناخت اصحاب امام هادی علیه السلام فراهم آمده است. آنگاه با توجه به فعالیت‌ها، اصحاب امام در سه گونه کنشگری سیاسی با فعالیت‌های ضد حکومتی، مانند حضور در قیام‌ها؛ کنشگری سازمانی، همچون فعالیت در سازمان وکالت و کنشگری مبارزه معرفتی (اعتقادی)، مانند مقابله با غالیان گونه‌شناسی شدند.

واژگان کلیدی: اصحاب امام هادی علیه السلام، گونه‌شناسی اصحاب، گونه‌شناسی سیاسی،

گونه‌شناسی معرفتی، سامراء.

۱. دانش آموخته سطح سه حوزه تاریخ اسلام، حوزه علمیه خواران، قم، ایران؛ nasabi88888888@gmail.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی امام هادی علیه السلام (۲۵۴-۲۱۲ق) در راستای حفظ مبانی تشیع، تربیت اصحاب و شاگردان بود که توانستند با تدابیری خاص با همکاری این اصحاب، علاوه بر تبلیغ و تبیین تشیع، به مبارزه با دستگاه خلافت و همچنین جریان‌های انحرافی حاکم بر جامعه آن روز همچون غلات، واقفه و صوفیه و... بپردازند.

حاکمیت بنی عباس در این عصر از توان نظامی نسبتاً بالایی برخوردار بود؛ چنان‌که تنها رقیبش، یعنی امپراطوری روم را نیز شکست داد (جاسم حسین، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰). در این دوران، جنبش‌های دینی و غیردینی علیه بنی عباس شکل گرفت که جنبش‌های مسلحانه علوی در ایران، عراق، یمن و مصر در دوران امام هادی علیه السلام، از قوی‌ترین این جنبش‌ها به شمار می‌روند (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۲۹۸). بغض و کینه عباسیان علیه شیعیان به حدی بود که متوکل، خلیفه عباسی (۲۴۸-۲۳۲ق)، مرقد امام حسین علیه السلام را تخریب کرد (قمی، ۱۳۲۵، ج ۲، ص ۳۴۵). افزون بر عباسیان، جریان‌های اندیشه‌ای مختلف مانند غالیان و... نیز اعتقادات شیعیان را مورد حمله قرار داده بودند و امام می‌بایست در جبهه‌های مختلف، به مقابله با این گروه‌ها اقدام نمایند. در این میان، اصحاب امام هادی علیه السلام، در کنار امام بودند و آن حضرت را در این مبارزات یاری می‌رساندند. در رجال طوسی، نام ۱۸۶ نفر از اصحاب امام هادی علیه السلام آمده است که با وجود کم بودن تعدادشان، شاهد خدمات چشمگیری از آنان در عرصه‌های سیاسی و اعتقادی هستیم. هدف این پژوهش، شناسایی عرصه‌های سیاسی و اعتقادی فعالیت‌های اصحاب امام هادی علیه السلام و معرفی اقدامات آنان است. در راستای رسیدن به این مهم، با شیوه کتابخانه‌ای و رجوع به منابع رجالی تلاش شد اطلاعات اولیه مورد نیاز و فهرست و شرح حال اصحاب آن حضرت فراهم آید. آنگاه با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، این داده‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفتند تا گونه‌های فعالیت اصحاب در ابعاد سیاسی و معرفتی شناخته شود.

در پیشینه، اثری که به صورت مستقیم به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد، اما در برخی آثار، اصحاب امام هادی علیه السلام بدون توجه به گونه‌شناسی معرفی شده‌اند. از آن میان

می‌توان به کتاب النور الهادی الی أصحاب الامام الهادی (ع) نوشته عبدالحسین شبستری اشاره کرد که در شرح حال و معرفی اصحاب و راویان امام دهم است. نویسنده در این کتاب، ۱۹۳ نفر از یاران و ناقلان حدیث آن حضرت را معرفی کرده است. وی مطالب کتب رجال و فهرست آنان را نقل نموده و درباره افراد معرفی شده اظهار نظری نکرده است. در پایان نامه نقش یاران ایرانی امامان نهم، دهم و یازدهم شیعه در تاریخ فرهنگ اسلامی به قلم فرشته بوسعیدی از دانشگاه اصفهان، به معرفی اصحاب ایرانی سه امام در حیطه فرهنگی پرداخته شده است. همچنین در مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام هادی (ع)، در مواردی برخی از اصحاب معرفی شده‌اند؛ اما اینکه به صورت گونه‌شناسانه، به اقدامات و فعالیت‌های اصحاب حضرت پرداخته شده باشد اثری مشاهده نمی‌شود.

۱. معیارهای انتخاب اصحاب سیاسی - معرفتی (اعتقادی) امام هادی (ع)

با بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی زمان امام هادی (ع) و چگونگی فعالیت‌های امام و اصحاب ایشان، آنچه به دست می‌آید این است که اولاً ایشان توسط یاران سیاسی خاص، در کنار وکلای تعیین شده در سازمان وکالت، اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کردند و ثانیاً اغلب با فرقه‌های انحرافی مانند غالیان، واقفه و صوفیان روبرو بودند که برخی از اصحاب با رویکرد معرفتی، واسطه آگاه‌سازی مردم در مبارزه با این گروه‌ها بودند.

روایات فراوانی در دست است که شیعیان از ورود به دستگاه خلافت، مگر در موارد رسیدگی به امور مسلمین و احقاق حق ایشان نهی شده‌اند که این امر می‌تواند نشان از اقدام عملی ائمه برای مشروعیت‌زدایی از عباسیان باشد؛ اما این موضوع بدان معنی نبود که نیروهای امام در دستگاه خلافت نفوذ نداشته باشند. آن حضرت افرادی را جهت اطلاع‌رسانی مخفی در دستگاه خلافت داشتند. حتی در زندان متوکل عباسی، علی بن جعفر همانی به امام نامه می‌نویسد و به دست امام می‌رساند. این مهم، از وجود یک شبکه پنهان اطلاعاتی در دربار از سوی طرفداران امام حکایت می‌کند (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۰۶).

مبتنی بر آنچه بیان شد می‌توان اصحاب سیاسی - معرفتی امام هادی (ع) را بر اساس قلمرو فعالیت آنها چنین گونه‌بندی کرد: گونه سیاسی، که فعالیت‌هایشان در دو محور

تجددآگانه، قابل رصد است. یکی صاحب‌منصبان حکومتی که افراد دارای مأموریت از طرف امام در مناصب حکومت عباسی، فعالان در قیام‌ها و اموری این‌چنینی به شمار می‌روند و دیگری کارگزاران سازمان وکالت، اعم از سروکیل و وکلای مناطق‌اند. دوم اصحاب معرفتی، که فعالان در عرصه مقابله با غالیان، واقفه، اهل حدیث و مجسمه، صوفیان و پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات مردم در این زمینه را دربرمی‌گیرند. نکته قابل توجه اینکه گونه‌شناسی ذکرشده، بر اساس غلبه کنشی اصحاب است و نمی‌توان مواضع و تدابیر ایشان را در یک گروه از کنش‌ها محصور نمود.

۲. گونه‌شناسی اصحاب امام هادی علیه السلام

گونه‌شناسی اصحاب امام هادی علیه السلام بر اساس معیارهای بیان‌شده به شرح ذیل است:

۲-۱. گونه صحابی با غلبه کنشگری سیاسی

صحابیان قرارگیرنده در این گونه، بر اساس کنشگری در مناصب حکومتی، حضور در قیام‌ها، مقابله رسانه‌ای مانند شعر با دستگاه خلافت و اقداماتی این‌چنینی رصد شده‌اند. برخی از این اصحاب عبارتند از:

الف) دعبل خزاعی

دعبل خزاعی (م ۲۴۵ق) شاعر شیعه‌مذهب در حیظه هجا، مدح و رثا است. تشیع دعبل، تشیع مذهبی- سیاسی بود و حس انتقام‌جویی شدیدی نسبت به آنچه دولت اموی و عباسی با علی علیه السلام و آل او در ایام آن حضرت و نیز پس از ایشان مرتکب شدند، از خود نشان می‌داد. او در دوران عمر طولانی خود، زمان برخی امامان پیش از امام هادی علیه السلام را درک کرد و به حضور ایشان رسید؛ ولی به دلیل شرایط سخت، نتوانست خدمت امام علی علیه السلام برسد. با این حال، شهر سامرا را که آن حضرت در آن زندانی بود، سخت نکوهش کرد. وی مداح اهل بیت علیهم السلام و هجوکننده ابراهیم بن مهدی، مامون، معتصم و واثق عباسی و... بود. او اشعاری با مضامین ذم غاصبان خلافت، مدح اهل بیت علیهم السلام و دفاع از اعتقادات شیعه از جمله غدیر خم سرود. زمانی که متوکل عباسی حتی اجازه زیارت را به زوار امام

حسین علیه السلام نمی داد و آنجا را با خاک یکسان کرد، دعبل به مرثیه سرایی برای شهدای کربلا و امام حسین علیه السلام پرداخت (شیخ الرئیس کرمانی، ۱۳۸۸، ص ۶۰-۷۰). از او نقل است: «پنجاه سال است که چوبه دار خویش را به دوش می‌کشم و هنوز کسی را نیافته‌ام که با آن مرا به دار بیاویزد» (ابن خلکان، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۶۶). علت مسمومیت و مرگ او را به خاطر هجو مالک بن طوق^۱ دانسته‌اند (عالمی دامغانی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴۶).

ب) داوود بن قاسم

داوود بن قاسم (م ۲۶۱ ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۶)، مشهور به ابوهاشم جعفری، شاعر، محدث و عابدی باتقوا بود که روایات زیادی در موضوعات مختلف فقه، کلام، تفسیر و کرامات ائمه اطهار علیهم السلام نقل کرده است. وی در مدح خاندان پیامبر شعر می‌سرود و با زبان شعر، علاوه بر مدح و حقانیت اهل بیت علیهم السلام، دشمنان ایشان را نیز نکوهش می‌کرد. ابوهاشم جعفری، با حکام وقت، معارضه و مبارزه می‌کرد، از این رو، حکومت وقت، او را بارها دستگیر و زندانی و حتی شکنجه نمود. حتی در جایی به جرم دست داشتن در ترور یکی از عناصر عباسی، دستگیر شد (فقیه بحر العلوم و خامه‌پار، بی تا، ص ۵۰۹-۵۰۷). وی در عین حال، نزد زمامداران از جایگاهی قابل احترام برخوردار بود؛ چنان‌که در سال ۲۵۱ ق در جریان شورش کوفه به رهبری حسین بن محمد علوی، که با حضور ششصد مرد جنگی قیام کرده بود، ابوهاشم جعفری از طرف مزاحم بن خاقان، کارگزار عباسی، به عنوان میانجی برای مذاکره با حسین فرستاده شد (طوسی، بی تا، ص ۱۸۱).

ج) حسن بن علی معروف به ناصر کبیر

حسن بن علی معروف به ناصر کبیر، ملقب به الناصر للحق و الاطروش و الأضم^۲ (م ۳۰۴ ق)، قبل از شروع قیام و نهضت خود علیه خلفای عباسی و سامانی، ابتدا به کار

۱. مالک بن طوق تغلبی، از امیران و اشراف قرن سوم قمری بود که از سوی متوکل عباسی، امیر دمشق شد. وی با کمک هارون الرشید، شهرکی به نام رحبه بنا کرد (ترمانینی، بی تا، ج ۲، ص ۹۲).

۲. سید مرتضی درباره جدّ مادری خود می‌گوید: «و اما ابومحمد ناصر کبیر؛ یعنی حسن بن علی، فضیلت او در دانش، زهد و فقاقت، از خورشید درخشان تراست. اوست که اسلام را در سرزمین دیلم گسترش داد» (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۲ و خوبی، بی تا، ج ۶، ص ۳۱-۳۲).

فرهنگی و تبلیغی همت گماشت. وی از خاندانی برخاسته بود که ظلم ستیز و اهل مبارزه با دشمنان دین بودند؛ باین حال، موفقیت قیام و اقدام نظامی خود را در گرو آماده نمودن اعتقادی و فرهنگی مردم بر ضد ظلم ظالمان می دید. ناصر بعد از کشته شدن محمد بن زید^۱ در سال ۲۸۷ق، ابتدا به نواحی همجوار طبرستان در شمال ایران گریخت و سپس به دعوت فرمانروای دیلم، بدان سو روانه گردید. وی در آنجا، به مدت چهارده سال، به تبلیغ دین اسلام پرداخت که با تلاش های وی، جمع بی شماری از دیلمیان به اسلام گرویدند. ناصر در سال ۳۰۱ق به سوی طبرستان لشکر کشید و حاکمان سامانی را از آن دیار بیرون کرد. ناصر کبیر بعد از غلبه بر دشمنان، آمل را پایتخت خویش قرار داد و بیش از سه سال (۳۰۱ - ۳۰۴ق) به طور رسمی بر مناطق طبرستان، دیلم و بخش های شرقی گیلان حکومت نمود (موسوی نژاد و موسوی تنیانی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰-۱۱۱ و ناطق بالحق، ۱۳۸۷، ص ۶۱).

د) خیران اسباطی

خیران اسباطی (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۶)، محدث امامی ثقة، جلیل القدر، خادم امام رضا علیه السلام و یکی از موالی ایشان بود. وی مورد اعتماد و از اصحاب خاص امامان علیهم السلام به شمار می رفت و گویا جزء افراد اطلاعاتی زمان خویش از جانب امام هادی علیه السلام محسوب می شد؛ لذا روزی آن حضرت، احوالات واثق و متوکل عباسی و نیز ابن زبایات، وزیر واثق را از او که به تازگی از بغداد برگشته بود پرسید و خیران پاسخ داد (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۴۰۵).

ه) احمد بن محمد اشعری قمی

احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (م ۳۰۰ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۳) از خاندان بنی ذخران بن عوف بن جماهیر بن الاشعر مکنی به اباجعفر است. او از بزرگان و شیوخ قم و از فقهای آنها بود. او به خاطر لیاقت هایی که از خود بروز داد توانست رهبری شیعیان قم را بر عهده گیرد. قدرت سیاسی و اجتماعی وی بدان حد رسید که وقتی بر اساس وظیفه شرعی،

۱. محمد بن زید علوی، حاکم طبرستان، پس از اسیر شدن عمرو بن لیث صفاری و به قدرت رسیدن اسماعیل سامانی کوشید بر خراسان چیره شود. اسماعیل سپاهی به فرماندهی محمد بن هارون به سوی او فرستاد که وی در جنگ با محمد بن زید او را کشت و بر طبرستان دست یافت. آنگاه از اطاعت اسماعیل سامانی خارج شد و طبرستان را مستقل اعلام کرد (ترمانینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۳).

عده‌ای را از قم اخراج کرد، احدی را توان اظهار مخالفت نبود. حاکم قم نیز در امور ملکی به او رجوع می‌کرد و احمد در این امور در مصدر تصمیم‌گیری بود (ربانی، ۱۳۷۶، ص ۳). نجاشی درباره قدرت سیاسی او می‌نویسد: «احمد بن محمد بن عیسی، چهره بدون رقیب قم بود و با حاکم قم رفت و آمد داشت» (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۸۱-۸۲).

و) احمد بن حمزه قمی

احمد بن حمزه قمی (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۸۳)، از جمله یاران امام هادی علیه السلام بود که در دوره عباسی منصب وزارت داشت. او برای شنیدن و فراگیری حدیث از لسان مبارک شخص امام هادی علیه السلام، از قم به سامراء مهاجرت کرد و با وجود مراقبت شدید حکومتی از آن حضرت، با پیشوای خود ملاقات نمود (عطاردی، ۱۴۱۰، ص ۳۲۱).

۲-۲. گونه صحابی با غلبه کنشگری سازمانی

امام هادی علیه السلام از جمله امامانی بود که به تقویت شبکه ارتباطی و کلا اقدام کرد. شبکه وکالت، سازمانی هماهنگ و متشکل از امامان معصوم علیه السلام و پیروان نزدیک و وفادار آنان بود که برای پیشبرد اهداف دینی، سیاسی و اجتماعی تاسیس شد. سازمان وکالت دارای ساختاری هرمی بود که در آن زمان، امام هادی علیه السلام در راس آن قرار داشت. پس از امام، عثمان بن سعید عمری به عنوان مسئول وکلا، امور سازمان را پیگیری می‌کرد و وکلای حضرت، در مناطق مختلف مشغول به فعالیت بودند (اکبری مقدم، ۱۳۹۳، ص ۴۴-۷۰). در ادامه، به معرفی وکلای سیاسی - اجتماعی امام هادی علیه السلام می‌پردازیم.

الف) عثمان بن سعید العمري

عثمان بن سعید العمري الزيات (م ۲۶۵ ق) (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۲)، از یاران نزدیک امام هادی، امام عسکری و امام مهدی علیه السلام بود. پس از رهبری سازمان توسط امام معصوم، مرتبه بعدی مربوط به وکیل الوکلائی آن حضرت، یعنی عثمان بن سعید عمری بود که مدیریت امور داخلی سازمان وکالت را بر عهده داشت. در شرایطی که دولت عباسی نسبت به امام هادی علیه السلام مشکوک بود، آن حضرت، به کسانی که به سختی می‌توانستند با ایشان به صورت مستقیم

تماس بگیرند، عثمان را به عنوان وکیل و دستیار مورد اعتماد خود معرفی می‌کرد (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۰۰). وی امور داخلی حوزه وکالت امام را سامان می‌داد و روابط بین مرکز سازمان و شعب آن در استان‌های دوردست را تنظیم می‌کرد (جاسم حسین، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲). همچنین نظارت بر کار وکلای بلاد، رسیدگی به امور مالی و وجوهات شرعی و پاسخ به پرسش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، از طریق او صورت می‌گرفت (سلیمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸). روغن فروشی عثمان، پوششی برای مخفی نگاه داشتن کارهای وی بود (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۹) که از این طریق با هوشیاری تمام، به انجام وظایف محوله می‌پرداخت و سازمان را از خطرات جدی حفظ می‌کرد.

ب) علی بن جعفر الهمانی

علی بن جعفر الکوفی الهمانی (زنده در عصر امام عسکری علیه السلام) (همان، ص ۴۱۸)، وکیل امام هادی علیه السلام بود و بسیار مورد وثوق و احترام آن حضرت قرار داشت. در ماجرای اختلاف علی بن جعفر با ابن قزوینی و پرسش محمد بن ابراهیم بن همدانی طی نامه‌ای از حضرت، امام هادی علیه السلام نوشت: «چنین مطلبی نیاز به سؤال ندارد. در مثل علی بن جعفر نمی‌توان تردید کرد. خداوند حرمت علی بن جعفر را بالاتر از آن قرار داده است که با کسی همچون قزوینی مقایسه شود و...». آن حضرت در ادامه با تاکید بیشتر، نسبت به فرمان برداری از ایشان امر می‌کنند (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۲۳). دفتر مرکزی سازمان وکالت، تابع محل سکونت امام بود. با انتقال امام هادی علیه السلام از مدینه به سامرا، دفتر مرکزی سازمان به سامرا منتقل شد و علی بن جعفر همانی و فارس بن حاتم قزوینی، به عنوان معاونین عثمان بن سعید عمری در سامرا، وی را در انجام امور مدیریتی و اجرایی یاری می‌کردند. به این ترتیب، تقسیم وظایف و عدم تمرکز کارها نزد عثمان، علاوه بر تسهیل در انجام امور، باعث می‌شد تا حساسیت جاسوسان حکومتی نیز برانگیخته نشود (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۵۶۵). علی بن جعفر، مانند دیگر وکلای امام، مورد تعقیب حکومت عباسی بود که در نهایت، بازداشت شد و به دلیل فعالیت‌هایی همچون دریافت وجوهات و پخش آنها و... مدت مدیدی در سلول‌های زندان متوکل عباسی، تحت فشار بود تا آنجا که متوکل قصد کشتن وی را کرد. در این حال، علی بن جعفر در نامه‌ای به امام عرضه داشت: «به خاطر خدا مرا دریابید. من بیم دارم که مرا نابود کنند». حضرت در پاسخ فرمود:

«وقتی کار به آنجا برسد، من آزادیت را از خداوند می‌خواهم» (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۰۶)، که با دعای مستجاب امام هادی علیه السلام از زندان خلاصی پیدا کرد.

ج) علی بن الحسین عبد ربه

علی بن الحسین عبد ربه (م ۲۲۹ق) (طوسی، بی تا، ص ۳۸۸) در بغداد و مدائن، از طرف امام هادی علیه السلام به امور وکالتی منصوب بود (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۱۰)، اما چون این مسئولیت در اواخر عمرش بود، جزئیات امر در کتب رجالی و تراجم نیامده است. به نقل از کشی، علی بن الحسین بن عبد ربه، از امام هادی علیه السلام خواست از خدا درخواست نماید مرگش به تأخیر افتد. حضرت فرمود: «اینکه پروردگارت را ملاقات نمایی درحالی که تو را مورد آمرزش قرار داده، برای تو بهتر است» (همان).

د) ایوب بن نوح بن دراج الکوفی

وکلائی شیعیان را بر مبنای نواحی گوناگون، به چهار گروه تقسیم کرده‌اند. نخستین ناحیه، شامل بغداد، مدائن، سواد و کوفه؛ ناحیه دوم، بصره و اهواز؛ ناحیه سوم، قم و همدان و بالاخره ناحیه چهارم، حجاز، یمن و مصر بود. هر ناحیه، به یک وکیل مستقل واگذار می‌شد که کارگزاران محلی، تحت نظر او منصوب می‌شدند (جاسم حسین، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷). باتوجه به سابقه حضور خاندان ایوب بن نوح در کوفه، وی در کوفه وکیل آن حضرت بود. او یکی از وکلای ارشد دو معصوم (عسکریین)، به ویژه در امور مالی و اخذ وجوهات شرعی شیعیان محسوب می‌شد و نقش ارتباطی بین آن دو بزرگوار و وکلای برخی از نواحی را ایفا می‌کرد. این امر بعدها موجب جلب تهمت ضعیف النفسان آن روزگار، مبنی بر جمع‌آوری انبوهی از مال و منال و... شد که البته بعد مرگ ایشان و باقی ماندن تنها ۱۵۰ دینار از پول شخصی، خط بطلان محکمی بر افکار آنان زد (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷۲، ۳۵۶، ۵۰۲، ۵۰۸، ۵۱۴، ۵۲۵ و ۵۵۷). ایوب بن نوح، به عنوان وکیل ارشد در کوفه، به دنبال فساد فارس بن حاتم، مدتی نیز مسئولیت جمع‌آوری وجوهات منطقه جبال را بر عهده داشت (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۵۶۵). تاریخ فوت ایوب نامشخص است، اما تا حدود سال ۲۶۰ق در قید حیات بوده است (همان، ۱۳۸۰، ص ۴۰۹).

ه) ابراهیم بن مهزیار

طبرسی بر وکالت ابراهیم بن مهزیار (حدود ۱۹۵-۲۶۵ق) (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۲۵۴) و پسرش محمد در اهواز تصریح کرده است (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۵۹). عمده وظیفه ایشان در امر وکالت، جمع‌آوری وجوهات بود تا به بغداد برساند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵۷-۴۶۱).

و) ابراهیم بن محمد الهمدانی

در رجال کشی، از ابراهیم بن محمد به عنوان وکیل امام هادی علیه السلام یاد شده و از جانب آن حضرت، مورد تمجید و سپاس قرار گرفته است (جباری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۸۵). امام هادی علیه السلام طی نامه‌ای، او را تنها وکیل خود در شهر همدان قرار داد (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۱۱-۶۱۲). سال درگذشت ابراهیم بن محمد مشخص نیست و احتمالاً در عصر غیبت وفات یافته است (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۹).

ز) احمد بن حمزه قمی طوسی

احمد بن حمزه قمی (همان، ص ۳۹۸) از وکلای امام هادی علیه السلام به شمار می‌رود، اما از فعالیت‌های ایشان، کارکردی ثبت نشده است و تنها در روایات، دلائلی بر وکیل بودن ایشان وجود دارد. برای مثال، ابو محمد رازی روایت می‌کند که امام هادی علیه السلام، ضمن توقیعی، احمد بن حمزه را در کنار چند وکیل دیگر توثیق کرده است (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۹۰).

ح) احمد بن اسحاق رازی

احمد بن اسحاق رازی (م ۲۶۰ق) (عطاردی، ۱۴۱۰، ص ۳۲۰)، وکیل ارشد ناحیه خویش بوده است (جباری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۶۸).

ط) ابوعلی حسن بن راشد

شیخ طوسی، از حسن بن راشد به عنوان وکیل امام هادی علیه السلام یاد کرده و نامه‌های آن حضرت در حق وی را نام برده و برشمرده است. از جمله، در جایی که او را به جای حسین بن عبد ربه برمی‌گزیند و نامه‌ای در سال ۲۳۲ق به علی بن بلال می‌نویسد و تعویض خود را اعلام می‌دارد (طوسی، بی‌تا، ص ۲۱۲).

۲-۳. گونه صحابی با غلبه کنشگری معرفتی

این دسته از اصحاب امام هادی علیه السلام افرادی بودند که در خط مقدم مبارزه با جریان‌های انحرافی قرار داشتند. در ادامه، دسته‌بندی این گونه معرفی می‌شود.

۲-۳-۱. مبارزین با غالیان

غالیان کار را به جایی رسانده بودند که بی‌محابا ادعای الوهیت، نبوت و بابت و... می‌کردند؛ از این رو شرایط ایجاب می‌کرد تا یاران امام هادی علیه السلام به شکل‌های مختلف به مقابله با این فرقه پردازند. این گونه، شامل سه گروه بودند:

۲-۳-۱-۱. اصحاب مقابله‌گر تبلیغی ضد غالیان

برخی از اصحاب، خود با این غالیان مواجه بودند و لذا برای مقابله با آموزه‌های آنان درباره ادعاهایشان، از امام کسب تکلیف می‌کردند. یکی از این اصحاب، ابراهیم بن شیبۀ القاشانی است.

امام هادی علیه السلام خود نیز در برابر این گروه غالی، موضعی صریح داشتند. ایشان در یک مورد، از بزرگان آنان تبری جسته و در جای دیگر، اظهار لعن و نفرین کرده و در مرتبه نهایی، حتی دستور قتل آنان را صادر فرمودند؛ زیرا راهی جز از این طریق برای روشنگری مسلمین وجود نداشت. برای مثال علی بن حسکه در عصر امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام، دارای عقایدی غلوآمیز بود و با دادن نسبت ناروای خدایی به امام هادی علیه السلام، مدعی بابت و نبوت بود. وی همچنین ادعای سقوط تکالیف شرعی دین از خود و... داشت. یکی از روایاتی که به بیان عقاید این فرقه پرداخته، روایت ابراهیم بن شیبۀ است که بر امام هادی علیه السلام عرضه داشت: «فدایت شوم! گروهی در نزد ما هستند که در شناخت فضیلت شما اختلاف نظر دارند و سخنان گوناگونی می‌گویند که دل‌ها از شنیدن آنها تنفر دارد و سینه‌ها تنگی می‌کند. احادیثی را در آن باره نقل می‌کنند که به خاطر سنگینی بیان، نه می‌توانیم به آنها اعتراف کنیم و نه آنها را رد کنیم و نه به دلیل آنکه به پدران شما نسبت می‌دهند می‌شود انکار کرد و ناگزیریم نسبت به آنها متوقف باشیم؛ زیرا آنها سخنان ایشان را تاویل می‌کنند.

شما درباره قبول سخن همه آنها چه می فرمایید؟». امام در پاسخ نوشتند: «این دین و آیین ما نیست. از آن دوری کن» (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۱۷).

ابراهیم بن داوود الیعقوبی (م قبل از ۲۵۴ق) (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۰)، از دیگر صحابیان فعال در این زمینه است. کشی از وی نقل کرده است: به امام هادی علیه السلام نوشتیم و جریان (انحراف) فارس بن حاتم را به حضرت گزارش نمودم. حضرت نوشت: «لا تحفلن به و ان اناک فاستخف به» (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۲۲). از نامه ای که ابراهیم بن داوود به امام علی النقی علیه السلام نوشته است معلوم می گردد که وی از افرادی بوده که غم و غصه دین و مذهب دارند و در مقابل اشخاص فاسد و گمراه و گمراه کننده، بی تفاوت نبوده است.

۲-۳-۱-۲. اصحاب ردیه نویس ضد غالیان

از اصحاب امام هادی علیه السلام، عده ای نیز با نوشتن کتاب، در ردّ این فرقه اقدام کرده بودند. در این میان، حسین بن سعید حمّاد، کتاب الرد علی الغلات (ابن ندیم، بی تا، ص ۴۰۶)؛ علی بن مهزیار دورقی اهوازی، کتاب الرد علی الغلات (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۲۵۳)؛ فضل بن شاذان (م ۲۶۰ق)، کتاب الرد علی الغالیة المحمدیة و کتاب الرد علی محمد بن کرام (همان، ص ۳۰۷)؛ محمد بن اورمه قمی، کتاب الرد علی الغلات (مقدس زاده، ۱۳۳۵، ص ۱۴۴)؛ سعد بن عبدالله اشعری قمی، کتاب الضیاء فی رد علی المحمدیه و الجعفریه، کتاب الرد علی الغلات و کتاب الرد علی علی بن ابراهیم بن هاشم فی معنی هشام و یونس (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۳۱۰) و محمد بن حسن صفار قمی، کتاب الرد علی الغلات (همان) از آن جمله اند.

۲-۳-۲. مبارزین با واقفیه

واقفه یا واقفیه، فرقه ای از شیعیان بودند که در امامت امام موسی بن جعفر علیه السلام توقف کردند و معتقد بودند امام موسی بن جعفر علیه السلام، آخرین امام است. آنان آن حضرت را امام زنده و خاتم الاثمه می دانستند که غیبت کرده و او همان مهدی منتظر است. بعضی از ایشان معتقدند آن حضرت وفات یافت، اما در آخرالزمان دوباره زنده خواهد شد. آنان پنج امام بعد از امام هفتم را به دلیل ادعای امامت، گمراه می دانستند. بعضی از آنان معتقدند امامان بعدی،

ادعای امامت نکرده‌اند و همه آنها خلفای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بوده‌اند. گروهی از ایشان، حبس آن حضرت را نیز اساساً منکر هستند (مدرس، ۱۳۶۹، ج ۵-۶، ص ۲۹۶). هرچند واقعه اولیه بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام شکل گرفت، اما این گروه همچنان در زمان امام هادی علیه السلام ظهور و بروز اجتماعی داشته است؛ چنان‌که در دوره غیبت صغری نیز جان دوباره‌ای گرفتند. امام هادی علیه السلام در دوران امامت خود، به شیوه‌های مختلف، به تبیین موضوع امامت و اثبات آن و بیان و شرح مقام و منزلت واقعی ائمه می‌پرداختند که اوج آن تبیین، در زیارت جامعه کبیره ایشان کاملاً مشهود است. بر این اساس، یاران ایشان نیز به پیروی از امام، به موضع‌گیری علیه این فرقه پرداختند.

۱-۲-۳-۲. اصحاب مواجه‌گر تبلیغی ضد واقفیه

این گروه از صحابه، به فعالیت و مواجهه مستقیم با واقفیان روی آورده بودند که از آن جمله می‌توان به این صحابی‌ان اشاره کرد. یکی از صحابی‌ان با این رویکرد، ابراهیم بن عقبه (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۱) است که در نامه‌ای، از امام نوع خاصی از مواجهه با واقفیه را پرسش می‌کند (کشی، ۱۴۰۹، ص ۴۶۱). فضل بن شاذان (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۲۰) یکی از این صحابی‌ان است. وی در مجالس مناظره بزرگ فطحیان و مشایخ واقفیه شرکت می‌کرد و به دفاع از عقاید شیعه می‌پرداخت (بجنوردی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۵۱). داوود بن قاسم بن اسحاق (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۴)، صحابی دیگری است که با بحث‌ها و مناظراتی که با سران فرقه‌های باطل و منحرف داشت، توانست جمعی از آنها را هدایت نماید. داوود، در اثبات امامت حضرت کاظم علیه السلام، به هنگام مناظره با فردی که مدعی امامت فرزند دیگر حضرت صادق علیه السلام به نام اسماعیل بود، گفت:

لما انبري لي سائل لاجيبه موسى احق بها ام اسماعيل
قلت: الدليل معي عليك و ما على ما تدعيه للامام دليل...

(فقيه بحرالعلوم، بی‌تا، ص ۵۰۶-۵۰۷)

۲-۲-۳. اصحاب ردیه‌نویس ضد واقفیه

برخی از صحابه امام هادی علیه السلام تلاش کردند با ردیه‌نویسی، عقاید این فرقه را به چالش بکشند و شبهات ایشان را پاسخ دهند. از آن میان می‌توان به محمد بن عیسیٰ البغدادی (م ۲۹۷ق) اشاره کرد که دو کتاب الواضح المکشوف فی الرد علی أهل الوقوف و کتاب الامامة را نگاشته است (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۲۳۵).

۲-۳-۳. مبارزین با اهل حدیث

اهل حدیث، گروهی از عالمان در سده‌های نخست اسلامی هستند که در روش خود، برای آموزش احادیث و پیروی از آن، اعتنایی ویژه داشته‌اند، اما در چگونگی برخورد خود با حدیث، دارای روشی همسان نبوده‌اند. همین امر موجب می‌گردد تا در مطالعه تاریخی، ضرورت تمییز میان طایفه‌های گوناگون احساس گردد. اگرچه اصحاب حدیث به معنای اعم، موضوعات گوناگون دینی مشتمل بر تعالیم فقهی و کلامی و جز آن را نیز مورد بررسی قرار داده، و در هر یک، آثار متعددی نیز پدید آورده‌اند، اما آنان بیش از هر چیز، در تاریخ فرهنگ اسلامی، به عنوان یکی از دو گرایش اصلی در فقه اهل سنت در سده‌های نخستین، در مقابل اصحاب رأی شهرت داشته‌اند (پاکتچی، بی‌تا، ج ۹، ص ۷۱۹). اینان در برخی آموزه‌های اسلامی، افکاری خاص داشتند که مورد پذیرش شیعه نبود و باید با آن مقابله می‌شد.

یاران امام هادی علیه السلام نیز هر زمان که با شبهات اهل حدیث روبرو می‌شدند، فوراً امام را در جریان گذاشته و پس از اخذ جواب، آن را در اختیار سایرین قرار می‌دادند. در یکی از این موارد، بر اثر دیدگاه اهل حدیث، در بحث توحید و صفات خداوند، اختلافاتی میان مسلمانان به وجود آمد. در همین زمینه، بشر بن بشار النیسابوری در نامه‌ای به امام هادی علیه السلام نوشت: «نزد ما در مورد توحید اختلاف کرده‌اند. برخی از آنان می‌گویند او جسم است و برخی می‌گویند او صورت است». پس حضرت پاسخ داد: «پاک و منزّه است کسی که حدی برای او متصور نیست و وصف نمی‌شود، و چیزی شبیه به او نیست. هیچ چیزی مثل او نیست و او شنوا و بیناست» (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۱ و ۴۱۷).

نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های شناخت فعالیت‌های اصحاب امام هادی علیه السلام، گونه‌شناسی بر اساس کنشگری سیاسی- معرفتی است. گونه سیاسی، پیگیری فعالیت‌های یاران امام هادی علیه السلام در سازمان وکالت مختص زمان امام هادی علیه السلام و نفوذیان در دستگاه خلافت یا اعتراض‌کنندگان به حکومت وقت و... است. در گونه اصحاب معرفتی امام هادی علیه السلام نیز کسانی بودند که در عرصه مقابله با جریان‌های انحرافی مانند غالیان و واقفه به مبارزه می‌پرداختند و در پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات شیعیان، به جهادگری علمی دست می‌زدند. هرچند تعداد اصحاب امام هادی علیه السلام نسبت به برخی ائمه کم است، اما هرکدام، نقش بسزایی در پیشبرد اهداف راهبردی آن حضرت، به‌ویژه در عرصه سازمان وکالت و مبارزه با فرقه‌های انحرافی داشتند. متأسفانه شرح حال همه آنها در کتاب‌های کهن در دسترس نیست و گاه تنها باید به اشاراتی بسنده کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم

الف) کتاب

۱. ابن خلکان، ابی العباس، ۱۳۹۷ ق، وفيات الاعیان، بیروت: بی نا.
۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، بی تا، الفهرست، تهران: جامعه تهران.
۳. بجنوردی موسوی، سید محمد کاظم، ۱۳۶۷ ش، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۴. پاکتچی، احمد، بی تا، اصحاب حدیث، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی (کتابخانه فقاقت).
۵. ترمینینی، عبدالسلام، بی تا، رویدادهای تاریخ اسلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. جباری، محمدرضا، ۱۳۸۲ ش، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۸۸ ش، تشیع، تهران: علم.
۸. حسین، جاسم، ۱۳۸۵ ش، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه: محمد تقی آیت اللهی، تهران: امیر کبیر.
۹. خویی، سید ابوالقاسم الموسوی، بی تا، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرجال، بی جا: بی نا.
۱۰. سلیمانی، جواد، ۱۳۸۶ ش، رازداران حریم اهل بیت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۱. شبستری، عبدالحسین، ۱۴۲۱ ق، النور الهادی إلى أصحاب إمام الهادي علیه السلام، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۱۲. شیخ الرییس کرمانی، محمد، ۱۳۸۸ ش، شعر شیعوی و شعری شیعه در عصر اول عباسی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۶ ش، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۷۳ ش، رجال، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. _____، ۱۳۸۰ ق، الرجال، نجف: المكتبة والمطبعة الحیدریة.
۱۶. _____، بی تا، الغیبة، نجف: مطبعة النعمان.
۱۷. _____، بی تا، الفهرست کتب الشیعه و اصولهم، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: مکتبه محقق طباطبایی.
۱۸. عالمی دامغانی، محمد علی، ۱۳۷۱ ش، شاگردان مکتب ائمه، قم: صاحب اثر.
۱۹. عطاردی، عزیز الله، ۱۴۱۰ ق، مسند الامام الهادی، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام.
۲۰. فقیه بحر العلوم، محمد و خامه یار، احمد، بی تا، زیارتگاه های عراق، تهران: سازمان حج و زیارت.
۲۱. قمی، عباس، ۱۳۲۵ ش، تنمه المنتهی، تهران: مرکزی.

۲۲. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، رجال کشی، تصحیح: محمد طوسی و حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.
۲۳. کلینی، محمد، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تحقیق: علی غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامی.
۲۴. مامقانی، عبدالله، ۱۳۵۲ ق، تنقیح المقال، نجف: مطبعه المرتضویه.
۲۵. مدرس، محمد علی، ۱۳۶۹ ق، ریحانه الادب، تهران: خیام.
۲۶. مقدس زاده، سید محمد، ۱۳۳۵ ش، رجال، تهران: بی نا.
۲۷. ناطق بالحق، یحیی بن حسین، ۱۳۸۷ ش، الإفادة فی تاریخ الائمة السادة، تحقیق: محمد کاظم رحمتی، تهران: میراث مکتوب.
۲۸. نجاشی، احمد، ۱۴۱۸ ق، رجال النجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: النشر الإسلامی.

ب) مقاله

۱. اکبری مقدم، لاله، ۱۳۹۳ ش، «ساختار سازمان وکالت در عصر امام هادی علیه السلام و کارکردهای آن»، فرهنگ پژوهش، ش ۱۹، ص ۴۴-۷۰.
۲. ربانی، سید جعفر، ۱۳۷۶ ش، «احمد بن محمد بن عیسی قمی، راوی سه معصوم علیهم السلام»، کوثر، ش ۶، شهریور.
۳. موسوی نژاد سید علی و موسوی تنیانی، سید اکبر، ۱۳۹۴ ش، «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصر کبیر»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، سال شانزدهم، ش ۲.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی